

Investigating the impact of Chabahar port on the security order of the Indian Ocean region

Saeed Bastami¹, Nozar Shafee², Sakine Babrignonbad³

Date received: 2022/03/06

Date of acceptance: 2022/06/13

Abstract

The purpose of this article is to investigate the role of Chabahar port on the security order of the Indian Ocean region. Chabahar port is located directly or indirectly on the path of several important international highways and has the ability to become one of the most strategic transit positions. This port is a member of two regional structures, the Oman Sea structure and the Indian Ocean structure, and can connect to the three continents of Africa, Asia, and the Pacific. It has especially affected economic security. Therefore, this research seeks to answer the question, what effect will Chabahar port have on the security order of the Indian Ocean region? The findings of the research show that the economic dependence of India and China, as well as the presence of the United States and other regional countries, has caused the security category in the Indian Ocean to become more important. The economic growth of China and India in recent years is due to trade and economic exchanges in the Indian Ocean. Due to the formation of traditional patterns of friendship and enmity as well as the strategic importance of Chabahar port, this port has played an important role in the equations of the regional security order of the Indian Ocean. The current research has been carried out by descriptive-analytical method and by referring to library-documentary sources.

Keywords: Chabahar, Indian Ocean, order, security, region

1. PhD student of International Relations, Department of International Relations, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Bastami.s@gmail.com

2. Associate Professor of International Relations, Department of International Relations, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (responsible Author).
Shafiee2@hotmail.com

3. Assistant Professor of International Relations, Department of International Relations, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Sb.iau2015@gmail.com

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...



۱۴۷

بررسی تأثیر بندر چابهار بر نظم امنیتی منطقه آقیانوس هند



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۴۸

سال دوازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

بررسی تاثیر بندر چابهار بر نظم امنیتی منطقه اقیانوس هند

سعید بستامی^۱نوذر شفیعی^۲سکینه بری گنبد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

چکیده

هدف این مقاله بررسی نقش بندر چابهار بر نظم امنیتی منطقه اقیانوس هند می باشد. بندر چابهار به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مسیر چندین شاهراه مهم بین المللی واقع شده است و قابلیت تبدیل شدن به یکی از راهبردی ترین موقعیت های ترانزیتی را دارد. این بندر عضو دو سازه منطقه ای یعنی سازه دریای عمان و سازه اقیانوس هند است و می تواند به سه قاره آفریقا، آسیا و اقیانوسیه ارتباط برقرار کند بندر چابهار دارای ظرفیت بالایی در شکل دهی به نظم امنیتی حاکم بر منطقه اقیانوس هند می باشد که امنیت بازیگران این حوزه بخصوص در بعد امنیت اقتصادی را متاثر ساخته است. لذا این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال هست که بندر چابهار چه تاثیری بر نظم امنیتی منطقه اقیانوس هند خواهد داشت؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که وابستگی اقتصادی هند و چین و نیز حضور آمریکا و سایر کشورهای منطقه ای سبب شده است که مقوله امنیت در اقیانوس هند از اهمیت بیشتری برخوردار شود. رشد اقتصادی چین و هند در سالهای اخیر موهون تبادلات تجاری و اقتصادی در اقیانوس هند است. با توجه به شکل گیری الگوهای سنتی دوستی و دشمنی و نیز اهمیت استراتژیک بندر چابهار، این بندر نقش مهمی در معادلات نظم امنیتی منطقه ای اقیانوس هند ایفاء نموده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه ای-اسنادی انجام شده است.

واژه های کلیدی: چابهار، اقیانوس هند، نظم، امنیت، منطقه

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Bastami.s@gmail.com

۲. دانشیار روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Shafiee2@hotmail.com

۳. استادیار روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Sb.iau2015@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose



۱- مقدمه

منطقه اقیانوس هند از جمله مناطق بسیار مهم و استراتژیک در چرخه نظم و قدرت بین الملل است. با توجه به اهمیت استراتژیک اقیانوس هند در شکل دهی به تحولات بین المللی و معادلات سیاسی- اقتصادی بین قدرت های بزرگ در مجموعه امنیتی اقیانوس هند، لازم است تا به بررسی آن پرداخته شود. از سویی دیگر، بندر چابهار در ایران یکی از مهمترین بنادر استراتژیک در منطقه می باشد. ارتباط بندر چابهار با مجموعه امنیتی اقیانوس هند بر اهمیت موضوع افزوده است. مشاهده رشد اقتصادی سریع چین و هند در میان کشورهای منطقه و حضور ایالات متحده بعنوان یک قدرت بین المللی و نیز اتصال بندر چابهار به اقیانوس هند و اهمیت استراتژیک منطقه جنوب ایران، لازم است تا به اهمیت تاثیر بندر چابهار بر نظم امنیتی اقیانوس هند با بهره گیری از نظریه باری بوزان در قالب نظریه امنیتی پرداخته شود. حضور قدرت های منطقه ای و بین المللی که در جستجوی منافع اقتصادی بیشتر هستند سبب شده است که موضوع تامین امنیت در این منطقه از اهمیت بیشتری برخوردار شود. در این راستا، این سوال مطرح می شود که بندر چابهار چه تاثیری بر نظم امنیتی منطقه اقیانوس هند خواهد داشت؟ فرضیه تحقیق بدین صورت است که بندر چابهار به دلیل وجود محرک های اقتصادی و سیاسی نقش ویژه ای بر نظم امنیتی منطقه اقیانوس هند داشته است. در این پژوهش از روش توصیفی- تحلیلی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و اسنادی به این موضوع پرداخته شده است.

۲- ادبیات پژوهش

ترابی و همکاران (۱۳۹۷)، در کتابی با عنوان «مزیت ها، قابلیت ها، ظرفیت ها و مشوق های سرمایه گذاری در سواحل مکران (چابهار و کنارک)» بر این اعتقادند که آب های عمیق در خلیج چابهار، شرایط پهلوگیری کشتی های بزرگ و ایجاد تاسیسات بندری را فراهم می کند. این بندر، مهمترین بندر تجاری خارج از حوضچه خلیج فارس است و از نظر سیاسی و راهبردی در مواقع جنگ و بحرانهای منطقه ای می تواند نقش تعیین کننده ای ایفا کند. قرار گرفتن چابهار در یک خلیج، موقعیت بندری ایده آلی برای توسعه فیزیکی در آینده به آن می بخشد که بسیاری از بنادر دنیا، از آن محرومند. همچنین به عقیده ی نویسندگان این کتاب بندر چابهار به دلیل موقعیت راهبردی، که نزدیک ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان به آبهای آزاد است از اهمیت فراوانی برخوردار است و سازندگی و سرمایه گذاری فراوانی در آن صورت



۱۵۰

سال دوازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱



می‌گیرد. اما در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر بندر چابهار بر نظم امنیتی منطقه اقیانوس هند می‌پردازیم. از این نظر پژوهش حاضر با منبع پیشنهادی متفاوت خواهد بود.

هداوند میرزایی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه حوزه اقیانوس هند و تنگه‌های استراتژیک آن در رشد و توسعه چابهار»، با چرخش اولویت‌های استراتژیک بعد از جنگ سرد، در حال حاضر، تنگه‌های مهم حوزه اقیانوس هند از جمله تنگه هرمز از نقش آفرینی ژئواکونومیک بالایی برخوردار می‌باشند. اقیانوس هند و تنگه‌های مهم این حوزه، به لحاظ اقتصادی و نزدیک نمودن مسافت سه حوزه جغرافیایی مهم اقتصاد جهان یعنی آمریکای شمالی، اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا از جایگاه مهمی برخوردارند. اما پژوهش حاضر به بررسی تأثیر بندر چابهار بر نظم امنیتی اقیانوس هند می‌پردازد و از این نظر با منبع پیشنهادی متفاوت خواهد بود.

پی. ج. ٲینکس (۱۳۹۳) در کتاب «پژوهشی پیرامون روندهای استراتژیکی منطقه-جنوب آسیا تا سال ۲۰۴۰»، بر این اعتقاد است که بررسی‌ها نشان می‌دهد تغییر موضع قدرت‌های جهانی از غرب به سمت شرق در حال رخ دادن است به‌خصوص در مورد کشورهای چین و هند این امر کاملاً مشهود است. پیش‌بینی می‌شود هند به‌عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهانی در آینده نقش بازی کند و این نقش آفرینی در بستر اقیانوس هند و مزایای ارتباطی آن از جمله بندر چابهار امکان‌پذیر است. اما پژوهش حاضر به بررسی تأثیر بندر چابهار بر نظم امنیتی اقیانوس هند می‌پردازد و از این نظر با منبع پیشنهادی متفاوت خواهد بود.

الینور (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان «رقابت در اقیانوس هند» به اهمیت اقیانوس هند و رقابت میان هند و چین اشاره داشته و این موضوع که چرا اقیانوس هند اهمیت دارد، منابع رقابت در این پهنه چه مواردی می‌باشد و اینکه چرا هند و چین در اقیانوس هند به رقابت می‌پردازند مورد بررسی قرار گرفته‌است و در این میان مساله‌ی بندر چابهار و گوادر را به عنوان یکی از زمینه‌های رقابت چین و هند در عرصه‌ی اقیانوس هند معرفی نموده‌است. اما پژوهش حاضر به بررسی تأثیر بندر چابهار بر نظم امنیتی اقیانوس هند می‌پردازد و از این نظر با منبع پیشنهادی متفاوت است.

روری دنی‌الز (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان «رقابت استراتژیک در جنوب آسیا: گوادر، چابهار و خطرات زیر ساخت‌های توسعه»، هند در نظر دارد تا از طریق بندر چابهار ایران که با منطقه مرزی زرنج افغانستان در ارتباط است، رابطه تجاری خود را با تجار افغانستان و بازار این کشور گسترش دهد. به عقیده‌ی نویسندگان این مقاله، در پرتو توجه و توسعه‌ی بندر چابهار ایران در همکاری با هند، این

کشور (هند) قادر است به بازارهای جذاب و پرسود آسیای مرکزی دست یابد، از دیگر سو، کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان نیز از طریق بندر چابهار ایران به آبهای گرم دسترسی پیدا می کنند. اما پژوهش حاضر به بررسی تاثیر بندر چابهار بر نظم امنیتی اقیانوس هند می پردازد و از این نظر با منبع پیشنهادی متفاوت است.

با نگاهی دقیق به ادبیات موجود به این نکته پی می بریم که، پژوهش هایی که تا پیش از این در حیطه موضوع این مقاله صورت پذیرفته است، هیچ یک نتوانسته است مساله جایگاه و موقعیت بندر چابهار در نظم امنیتی حاکم بر اقیانوس هند و الگوهای دوستی و دشمنی منطقه ای متاثر از آن بصورت جامع و مستقل مورد بررسی و تبیین قرار دهند. در پژوهش حاضر تلاش خواهیم کرد تا تاثیر بندر چابهار بر روی نظم امنیتی اقیانوس هند را براساس نظریه مجموعه امنیتی بوزان توضیح دهیم.

۳- مباحث نظری

نظریه مجموعه های امنیتی منطقه ای (RSCT) یکی از ابعاد سه گانه مکتب کپنهاگ، در کنار نظریه امنیتی نمایی و رویکرد بخش ها است که مجموعه ای جامع برای فهم و تحلیل امنیت بین الملل تشکیل می دهند. مکتب کپنهاگ حاصل نظریه های متعددی از اندیشمندان حوزه سیاست بین الملل با مرکزیت بری بوزان و اوول ویور و دو ویلد است که از اوایل دهه نود، با همکاری بوزان و تعداد دیگری از پژوهشگران مؤسسه مطالعات صلح کپنهاگ تشکیل شد و در طی دو دهه پس از آن، منجر به نگارش مشترک آثار پرشماری در این حوزه شد که در کنار یکدیگر، آنچه را که بعدتر توسط منتقدان این رویکرد، مکتب کپنهاگ نامیده شد، تشکیل داد (Buzan & Waever, ۱۹۹۷).

تأکید بر سطح منطقه به عنوان یکی از سطوح اصلی تحلیل در مباحث امنیتی مدت هاست که مورد توجه پژوهشگران مطالعات امنیتی قرار گرفته است. مناطق، که پس از پایان دوران استعمارزدایی و استقلال بیشتر آن ها از ساختار چند قطبی اروپایی به عنوان یکی از زیر سیستم های اصلی اهمیت زیادی در روابط بین الملل پیدا کرده اند، از سال های پس از پایان جنگ سرد روز به روز بر اهمیت آنها به عنوان یکی از سطوح مهم تحلیل امنیت در روابط بین الملل افزوده شده است و همان گونه که آچاریا می گوید تقاضایی رو به افزایش برای ترتیبات امنیتی منطقه ای در جهان سوم به عنوان یکی از مشخصه های دستور کار امنیتی پساجنگ سرد در سال ظهور است (داداندیش و کوزه گر کالجی، ۱۳۸۹: ۸۰).

در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای، بخش های عمده فرایندهای امنیتی کردن و غیرامنیتی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام

۱۵۲

سال دوازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراستق اقلام الاسلامی
پژوهشهای یایی جهان اسلام

کردن در خوشه‌های مجموعه‌های منطقه‌ای نمود پیدا می‌کند. از سوی دیگر، ویژگی‌های امنیتی در سطح منطقه‌ای پایدارند. این ویژگی‌ها در اصل خودکفا هستند نه به خاطر مستقل بودن، بلکه به این خاطر که پوششی امنیتی دارند که حتی بدون تأثیر بازیگران دیگر، خود به شیوه خاص وجود دارند (پیشین، ۱۳۸۶). بر همین اساس سطح منطقه‌ای به عنوان سطح تحلیل اصلی در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای مورد تأکید قرار می‌گیرد.

بوزان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از واحدها که در آن فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هر دوی آنها، آن اندازه در هم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی نمی‌تواند جدای از یکدیگر تحلیل با حل شود.

امنیت جامعه‌ای در مکتب کینهاگ، که بوزان از اعضای کلیدی آن بود. یک مفهوم مرکزی دارد و آن عبارت است از هویت (بوزان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۲). هرگاه گروهی احساس کند باور و رویه‌های فرهنگی - اجتماعی‌اش انکار، مهار یا دستکاری می‌شود، احساس ناامنی می‌کند (۲۰۰۲: ۳۰-۳۲، Kymlicka). ممکن است این احساس ناامنی، واقعی باشد، مانند مهاجرت انبوه از منطقه الف به منطقه ب و تقلیل تعداد و تمرکز ساکنان منطقه ب. ممکن است احساس ناامنی، خالی باشد، یعنی در پی تحركات عادی گروه الف، گروه ب احساس ناامنی کند و حدس غیرواقعی به ناامنی‌های واقعی منتهی شود. این معادله را باری پوزن از نظریه‌پردازان سرشناس در حوزه جنگ داخلی، معمای امنیت جامعه‌ای می‌نامد که طبق آن، اقدامات جامعه در تلاش برای تقویت امنیت جامعه‌ای خویش، موجب واکنش در جامعه دوم می‌شود و در نتیجه، امنیت جامعه‌ای جامعه اول تضعیف می‌شود (۱۹۹۳، Posen).

ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی چهار متغیر دارد مرز، که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند؛ ساختار آنارشیک، به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد خود مختار تشکیل شده باشند؛ قطبش، که پوشش دهنده توزیع قدرت در میان واحدهاست ساخت اجتماعی، که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدهاست (Ibid: 64). با وجود این چهار متغیر اصلی تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی، بوزان از یک عامل خارجی نیز به نام «نفوذ» با «پوشش» نام می‌برد که هر چند ذاتی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای نیست، اما می‌تواند پوشش‌های درونی یک مجموعه را تحت تأثیر قرار دهد و حتی تغییراتی در آن ایجاد کند. بر پایه این نظریه، نفوذ زمانی اتفاق می‌افتد که قدرت‌های خارجی با دولت‌های تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی یک صف‌بندی امنیتی را تشکیل

دهند. این امر به واسطه منطق توازن قوا که درون هر منطقه وجود دارد تسهیل می‌شود چرا که منطق توازن قوا برخی دولت‌ها را به سمت اتحاد و ائتلاف با قدرت‌های خارجی می‌کشاند. به نظر بوزان، شکل استاندارد مجموعه امنیتی منطقه‌ای، الگویی از رقابت، توازن قوا، و ائتلاف میان قدرت‌های اصلی منطقه است: باید به این الگو، تأثیرات نفوذ قدرت-های خارجی را هم افزود (Buzan & waever, 2019)

بر این اساس، در چارچوب موضوع این مقاله، تلاش می‌شود تا بازیگران فعال در چارچوب بازیگران موثر در حوزه اقیانوس هند و بطور خاص کشورهای هند، چین، هند و پاکستان در قالب یک مجموعه امنیتی مورد توجه قرار گیرند که تحت تأثیر الگوهای شکل گرفته شده دوستی و دشمنی میان ایشان و سایر بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای دست به کنش‌های امنیتی در راستای افزایش ضریب امنیت ملی خود و رفع تهدیدات و بطور ویژه تهدیدات اقتصادی، به عنوان مولفه موثر در این حوزه و موضوعی که بیشتر مورد توجه در این مقاله قرار گرفته شده است، به دقت بررسی گردد. تا تصویر شفافی از تأثیرگذاری بندر چابهار بر نظم امنیتی اقیانوس هند بدست آوریم.

۴- ابعاد اهمیت اقیانوس هند

کرانه‌های دریایی و اقیانوسی در ازای تاریخ، بستر پرکشش برای سکونت انسان بوده‌اند و از قرن ۱۶ میلادی به بعد و با تغییر نگرش بشر از رویکرد خشکی محور به رویکرد دریا محور، اساس اقتصاد جهانی را تشکیل و مناطق ساحلی از اهمیت ویژه‌ای در روند توسعه کشورها برخوردار شدند (کریمی‌پور و حیدری، ۱۳۸۸: ۱۲-۸).

۱-۳- اهمیت اقتصادی

دو دهه پیش تاکنون، امنیت و گفتمان‌های امنیتی در قالب گفتمان ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی به سوی مفاهیم ژئواکونومیک و امنیت اقتصادی، به ویژه مفاهیم مرتبط با انرژی و سوخت‌های فسیلی کشیده شده است (کریمی‌پور، ۱۳۸۹: ۷). در ایفای نقش برتر اقتصاد و امنیت اقتصادی، در عرصه مناسبات جهانی، نفت به عنوان خون صنعت مدرن در مقایسه با سایر عوامل قدرت، از جایگاه بالاتری برخوردار شده است. در این دوره انرژی، به ویژه نفت در تعیین امنیت و ایجاد کشمکش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از نقش آفرینی بیشتری برخوردار شد (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۴).

تغییر نگرش در چارچوب انقلاب دریانوردی، شاهد دگرگونی در شیوه تولید ساخت و تبدیل اقتصاد شهری به اقتصاد ملی و سپس اقتصاد جهانی می‌باشیم. این امر رفته رفته سبب گره خوردن توسعه



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دانش‌های جهان اسلام

۱۵۵

پژوهشی تأثیر بنابر چارهای بر نظم امنیتی منطقه اقیانوس هند

اقتصادی و سیاسی کشورها گردید و این تصور را موجب گردیده‌است که در اختیار داشتن آب‌های آزاد شرط ضروری برای رسیدن به یک قدرت جهانی است (زرقانی و قلی زاده، ۱۳۹۱: ۴). از سده بیستم با ساحلی شدن اقتصاد، دریا و قلمروهای دریایی در کانون توجه دولت‌ها قرار گرفتند. هم‌اکنون حدود ۷۵ درصد کلان شهرهای جهان دارای موقعیتی ساحلی هستند و بیش از ۹۰ درصد تجارت بین کشورها توسط کشتی‌ها و از طریق دریاها و اقیانوس‌ها صورت می‌پذیرد و حتی امروزه در عصر اطلاعات و عصر جت، ۹۰ درصد تجارت جهانی و حدود ۶۵ درصد از کل ترانزیت نفت از طریق دریا صورت می‌پذیرد (Kaplan, 2010: 182).

اقیانوس هند با وسعت ۷۵ میلیون کیلومتر مربع سومین پهنه آبی بزرگ جهان است که نزدیک به ۲۰ درصد از آب‌های سطح کره زمین را پوشانده و حداقل ۲۰ درصد کل مساحت اقیانوس‌های جهان را تحت پوشش قرار می‌دهد. اقیانوس هند، اقیانوسی استراتژیک و اقتصادی است تا آنجا که آن را قلب اقیانوس‌ها نامیده‌اند و آلفرد ماهان، در خصوص اهمیت اقیانوس چین می‌گوید که «هرکس بر اقیانوس هند کنترل داشته باشد، بر آسیا فرمانروایی می‌کند» (دهقان و کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۸).

اقیانوس هند در سده بیست و یکم وارد دنیای جدیدی شده‌است. وقایع بی‌شماری در دهه اخیر توجه محافل سیاسی را به این اقیانوس جلب کرده‌است به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد، اقتصاد سده ۲۱ در این منطقه رقم خواهد خورد. مهم‌ترین این وقایع تغییر موضع سیاست اقتصاد جهانی در قبال عرضه و توزیع و دسترسی منابع انرژی به ویژه نفت و گاز و حفظ امنیت مسیر انتقال انرژی به کشورهای مقصد و همچنین دسترسی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای اقیانوس هند به بازارهای مصرف آسیا به ویژه آسیای مرکزی، افغانستان و همچنین اروپا و از طرفی تلاش کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و افغانستان برای دسترسی به اقیانوس هند است که به صورت یک مسئله بین‌المللی درآمده‌است و انتقال محور تجارت جهانی از حوزه آتلانتیک و پاسفیک به منطقه اقیانوس هند، زمینه‌های شروع رقابت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در این منطقه را فراهم آورده‌است (سعادت، ۱۳۹۶: ۱۷۵-۲۱۴).

۲-۳- اهمیت انرژی

در حال حاضر نیز اولویت انرژی جهانی و علایق تجارت دریایی موجب شده تا اقیانوس هند و امنیت اقتصادی آن بیشتر از گذشته در کانون توجهات قرار گیرد. این امر خود زمینه رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این حوزه را در جهت کنترل ذخایر انرژی برای دسترسی به منابع خاورمیانه نشان می‌دهد (کمپ و هارگای، ۱۳۸۳: ۴). به گونه‌ای که انتظار می‌رود تقاضای جهانی از سال ۲۰۰۶ تا

۲۰۳۰ به ۴۵ درصد افزایش پیدا کند که نیمی از این رشد تقاضا مربوط به چین و هند می باشد (Energy Agency, 2007: 182 International).

۵. تاریخچه و موقعیت جایگاه چابهار

بندر چابهار به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مسیر چندین شاهراه بین المللی واقع شده است و قابلیت تبدیل شدن به یکی از راهبردی ترین موقعیت های ترانزیتی را دارد. قرار گرفتن چابهار در کریدور جهانی شمال - جنوب و مناسب ترین مسیر برای ورود هند به هارتلند در حال ظهور (آسیای مرکزی، کشور افغانستان و کشورهای حوزه خزر)، باعث وابستگی های ژئوپولتیکی هند به ایران شده است. همچنین که این بندر عضو دو سازه منطقه ای یعنی سازه دریای عمان و سازه اقیانوس هند است و می تواند با سه قاره آفریقا، آسیا و اقیانوسیه ارتباط برقرار کند. بی دلیل نیست که از چابهار به عنوان دروازه بزرگ به کشورهای محصور افغانستان و دولت های مستقل مشترک المنافع یاد می شود (محمدی و احمدی، ۱۳۹۷: ۵۵). همچنین ژئوپولتیک بندر چابهار فرصت بسیار خوبی را برای تقویت ادغام منطقه در اقتصاد جهانی فراهم می کند. از نظر بین المللی این بندر در مسیر ۳ کریدور بزرگ ترانزیتی جهان قرار دارد:

- کریدور شرقی - غربی که از دروازه ابریشم چین آغاز می شود و از قفقاز، غرب آسیا و مدیترانه می گذرد. شاخه جنوبی این کریدور از بندر چابهار عبور کرده و به جنوب آسیا و خلیج فارس می رسد. ایران، ترکیه و عراق و به سوی منطقه اروپا و مدیترانه گسترش می یابد و بندر چابهار یکی از مهمترین محورهای آن به شمار می رود (Aslan & Rashid, 2020: 13).

از سوی دیگر همانطور که گفته شد انتظارات تمامی بازیگران در یک همکاری منطقه ای باید بر آورده شود، بندر چابهار برای گردهم آوردن کشورهای منطقه و شکل دادن به یک همکاری اقتصادی از پتانسیل بالایی برخوردار است. منطقه چابهار به دلیل جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی دارای ماهیتی استراتژیک برای تحرک و توسعه نیمه شرقی کشور و در نتیجه کل ایران، برای کشورهای همجوار در منطقه و حتی برای ارتباطات اقتصادی جهانی است. بر اساس آمارهای جهانی سازمان ملل در زمینه حمل و نقل بین المللی، حدود نیمی از حمل و نقل جهان میان خاور دور با سایر نقاط دنیا صورت می گیرد، از مجموع ۳ کریدور حمل و نقل که برای این امر پیش بینی شده، ۲ کریدور از ایران می گذرد و در این بین چابهار نقطه عبور جنوبی ترین کریدور شرقی غربی محسوب می گردد که در مسیر جاده ابریشم قرار دارد. همچنین چابهار نزدیکترین راه به اقیانوس هند و آبهای آزاد است که با ۱۸۰۰ کیلومتر فاصله با سرخس، بهترین



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۱۵۶

سال دوازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

راه دستیابی آسان کشورهای آسیای میانه به دریای عمان محسوب می شود. در این میان خلیج چابهار با بریدگی طبیعی و استثنائی خود، بزرگترین خلیج ایران در حاشیه دریای عمان و بزرگترین خلیج خاورمیانه در سواحل آن به شمار می رود. آب های ساحلی چابهار با برخورداری از عمق زیاد از موقعیت خاص استراتژیکی جهت پهلوگیری کشتی های اقیانوس پیما برخوردار هستند (دریاباری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۱)

۶- اهمیت چابهار برای بازیگران نظم نوین امنیتی در حوزه اقیانوس هند

نقش بندر چابهار در میان مناطق ساحلی اقیانوس هند، نقشی بی بدیل است که امروزه موقعیت ممتازی به آن در عرصه منطقه ای و جهانی بخشیده است. بندر استراتژیک چابهار با برخورداری از ارزش های ژئوپلیتیکی منحصر به فرد، از چنان وزن ژئوپلیتیکی برخوردار است که امروزه مورد توجه بازیگران قدرتمند و نیز کشورهای منطقه و قدرت های در حال ظهور نظیر هند و حتی چین، ژاپن و روسیه قرار گرفته است. بندر چابهار به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مسیر چندین شاهراه مهم بین المللی واقع شده است و قابلیت تبدیل شدن به یکی از راهبردی ترین موقعیت های ترانزیتی را دارد. این بندر عضو دو سازهی منطقه ای یعنی سازهی دریای عمان و سازهی اقیانوس هند است و می تواند به سه قاره آفریقا، آسیا و اقیانوسیه ارتباط برقرار کند (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۷۴-۵۰).

در بررسی توانمندی خلیج چابهار توجه به این نکته ضروری است که اگرچه در دکترین کشورهای موثر و رقیب در این حوزه (اقیانوس هند) و بطور خاص هند و چین بیان شده است که نیمی از واردات نفت خود را باید از عربستان وارد کنند. اما ژئوپلیتیک و استراتژی ژئوپلینیک این واقعیت را دیکته می کند که همکاری با یک کشور رادیکال ایدئولوژیک برای چینی ها و هندی ها بسیار سخت تر و هزینه برتر از ایران خواهد بود که این امر می تواند نقشی مؤثر برای ایران در مناسبات منطقه ای و تحولات آینده اقیانوس هند و نیز ایجاد تعادل های ژئوپلیتیک برای خروج از بحران ها و چالش های ژئوپلیتیک خود داشته باشد (سعادت، ۱۳۹۶، ۱۶۰-۱۸۰). از سویی دیگر، به دلیل نقش آفرینی ژئوپلیتیک خلیج چابهار در پروژه های انتقال انرژی و کالا و خطوط ریلی، این ظرفیت می تواند به ساماندهی نهادهای منطقه ای و بین المللی به ویژه در منطقه اقیانوس هند منجر گردد و از این طریق منافع کشورهای دیگر را با ساحل دریای عمان پیوند دهد و علاوه بر ارتقاء منزلت ژئوپلیتیک خود در جهان و منطقه، با بستر سازی اجماع منطقه ای و جهانی، فرصت های جدیدی را برای چابهار و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تولید نماید (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۳۸).



از سویی دیگر در جهان ۳۰ کشور محصور در خشکی وجود دارند که شش کشور از آنها (با احتساب افغانستان) در منطقه آسیای مرکزی واقع هستند که جهت دسترسی به آب‌های آزاد در جنوب به دو کشور ایران و پاکستان وابسته هستند و در این میان در بررسی‌های اقتصاد سنجی مبتنی بر الگوی کمی شبکه حمل و نقل، با شناسایی حوزه نفوذ چهار بندر در ایران و کراچی در پاکستان از حیث صرفه جویی و کاهش هزینه حمل و نقل کالا از آسیای مرکزی به بازارهای جهانی از طریق این بندرها، معلوم شده است که بنادر چابهار و کراچی باصرفه‌ترین بندرها محسوب می‌شوند (رئیس دانا، ۱۳۷۴: ۳۲۷).

مقیاس‌های جغرافیایی فضا، نقش‌های یک مکان را مشخص می‌کنند، از این رو مقیاس نقش آفرینی خلیج چابهار می‌تواند چهار سطح جهانی تا محلی را در برگیرد. در مقیاس جهانی پیوند دهنده دو سیستم قاره‌ای و اقیانوسی بوده و ارتباط کل سیستم اوراسیا را با آب‌های آزاد و سیستم اقیانوسی برقرار می‌کند و در سطح منطقه‌ای که مهم‌ترین سطح مورد توجه در مکتب کپنهاگ و مورد توجه باری بوزان به عنوان چارچوب نظری این پژوهش به‌شمار می‌رود، پیوند دهنده کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی به آب‌های آزاد بوده و به عبارتی نقش ارتباطی ایفا می‌کند. اهمیت ابعاد گسترده‌ی امنیتی در این منطقه و بطور خاص امنیت اقتصادی گره خورده بازیگران منطقه‌ای موثر در این منطقه سبب گردیده است تا قدرت‌های برتر اقتصادی نسبت به این نقطه حساسیت خاصی داشته باشند. در واقع می‌توان این منطقه را شبیه قیفی دانست که چرخش اقتصادی سایر نقاط به ویژه شرق آسیا درون آن ریخته می‌شود که انتهای این قیف به خلیج چابهار متصل می‌شود و به تبع اینجا سر پل چرخش این حجمی است که از سمت خلیج چابهار در اختیار آسیای مرکزی قرار می‌گیرد که به لحاظ صرف انرژی و آسیب پذیری‌های امنیتی هزینه بسیار کمتری نسبت به سایر مسیرها دارد (سعادت‌ی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴-۱۶).

۳- مجموعه امنیتی منطقه‌ای با مشارکت قدرت‌های بزرگ

پس از حضور ایالات متحده در منطقه اقیانوس هند تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ عملاً آمریکا حاکم بلا منازع این منطقه بود اما پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ به این سو منطقه وارد دوران گذاری شده است و در صدد باز تعریف جدید از ساختارهای قدرت در منطقه است (نصیری، ۱۳۹۲: ۱۹۶). در این دوره تکامل، شاهد ظهور بازیگران جدیدی از سطح خرد تا کلان با نقش‌های جدید هستیم، درکنار بازیگرانی همچون ژاپن که تنها منافع اقتصادی و امنیت اقتصادی خود را در این منطقه تعقیب می‌نمایند، اما بازیگران بزرگی همچون چین نیز ظهور یافته‌اند که علاوه بر کارکردهای اقتصادی، منافع نظامی-دفاعی و استراتژیک را نیز دنبال می‌کنند. هند بازیگر دیگری است که به شدت به دنبال تصویر سازی از قدرت دریایی خویش است.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۱۵۹

پژوهشی تأثیر بنابر چارچوب بر نظم امنیتی منطقه اقیانوس هند

در واقع در دوران گذار منطقه شاهد چالش میان قدرت های نوظهور و قدرت سنتی (ایالات متحده) در منطقه است و این امر را می توان مهمترین دلیل شکل نگرفتن سازمان های منطقه ای اقیانوس هند برای جهت دهی به ترتیبات نظم منطقه ای اقیانوس هند دانست و تا زمانی که نقش و کارکرد بازیگرانی چون چین، هند و سایر قدرت ها در این منطقه مشخص نشود شکل گیری سازمان منطقه ای اقیانوس هند دور از انتظار خواهد بود (نصیری، ۱۳۹۲: ۱۶۴-۱۶۸). در واقع سازمان های منطقه ای و نظام های منطقه ای یک زیر ساختاری از سیستم کروی و جهانی هستند و تا زمانی که شکل گیری این نظام منطقه ای وابسته به شکل گیری نظام جهانی قدرت باشد و تا زمانی که منطقه در دوران گذار باشد شاهد افزایش روزافزون رقابت در این منطقه خواهیم بود (نصیری، ۱۳۹۲: ۲۲۷). در دوران گذار نگاه غالب بازیگران نگاهی رقابتی است، رقابتی سازنده برای آنکه در ساختار آینده نظام قدرت از نقش و جایگاه بهتری برخوردار باشند. در این بخش از پژوهش، بازیگران موثر در منطقه اقیانوس هند را بررسی می کنیم.

۱-۶- چین

رویکرد سیاست خارجی چین به منطقه اقیانوس هند مبتنی بر دو اصل اساسی است: نخست، فرصت سازی برای خود از طریق منحرف کردن توجه دنیای غرب به این منطقه، اما در خصوص اصل دوم باید گفت که تقاضای چین برای فرآورده های نفتی از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۵ دو برابر شده است و پیش بینی شده است که این رقم تا ۱۵ سال آینده یا زودتر از آن به دو برابر افزایش پیدا کند. همچنین پیش بینی ها گویای آن هستند که تا سال ۲۰۳۰ واردات نفت و فرآورده های نفتی چین در هر روز به ۸/۱ میلیون بشکه برسد که در سند چشم انداز چین برنامه ریزی شده تا نیمی از این واردات از طریق عربستان صورت پذیرد که بیش از ۸۵ درصد واردات نفت و فرآورده های نفتی چین از طریق اقیانوس هند و تنگه مالاکا صورت می گیرد (eia . doe . gov . www).

بنابراین اصل دوم رویکرد سیاست خارجی چین، بستر سازی مناسب برای نفوذ اقتصادی-سیاسی خود در منطقه به منظور پیشبرد اهداف اقتصادی و عملی کردن استراتژی «دستیابی به امنیت انرژی» می باشد و از سوی دیگر تلاش چین برای گسترش بازارهای خود در آسیای مرکزی و اروپا موجب شده تا اقیانوس هند در آینده ای نه چندان دور نقشی حیاتی در سرنوشت چین بازی کند و این کشور به یکی از بازیگران محوری و فعال در منطقه اقیانوس هند تبدیل شود (کاوایانی راد و سعادت، ۱۳۹۶: ۱۶۵-۱۶۴) در حالی که در سال های اخیر چین تلاش کرده است تا در چارچوب استراتژی های رشته مروارید^۱ و یک پهنه-یک

کمربند به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بعد امنیت اقتصادی به ایفای نقش پردازد، در حال حاضر در راستای استراتژی گردنبدن مروارید اقدام به شبکه سازی در پهنه اقیانوس هند از شرق دور تا گوادر پاکستان کرده است و تمامی این مکان‌های جغرافیایی را با تعریف سیستمی نه تعریف فقط یک مکان، جانمایی کرده تا صحنه اقیانوس هند را به شرق دور متصل کند نصیری، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۶۵).

پهنه اقیانوس هند علاوه بر این که فرصت بی بدیل رقابت با آمریکا را در چارچوب مجموعه امنیتی حاکم بر منطقه اقیانوس هند در اختیار چین قرار داده است بلکه در سایر زمینه‌ها همچون رقابت با هند نیز برای آن اثر گذار است، و این امر متأثر از ترانزیت کالا، انرژی می‌باشد که در موضوعات بین‌الملل و امنیت بین‌الملل اثر گذار است. در چارچوب استراتژی یک پهنه‌یک کمربند و در چارچوب تامین منافع امنیتی خویش با اولویت امنیت اقتصادی و در زمانی که شاهد مزاحمت و مانع تراشی آمریکا در دریای چین جنوبی برای چین بر سر جزایر و کنترل تنگه مالاکا و مشکلات ناشی از آن از جمله افزایش ریسک دستیابی به مواد اولیه و نیز زمان و هزینه این دسترسی می‌باشد، بنابراین چین به دنبال یک راه جایگزین است و در این استراتژی بندر گوادر پاکستان نقشی مؤثر ایفا خواهد کرد. از این رو بالغ بر ۴۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ میلادی در بندر گوادر سرمایه‌گذاری کرده است، زیرا بندر گوادر به صورت مستقیم به ایالت سین کیانگ ارتباط دارد. از سوی دیگر، در کنار امنیت اقتصادی، سایر ابعاد امنیتی نیز برای چین در حوزه اقیانوس هند دارای اهمیت می‌باشد بطوریکه چین در سواحل گوادر به علت عمق زیاد می‌تواند زیردریایی‌های خود را مستقر کرده و یک پایگاه دریایی نیز داشته باشد که موجب افزایش ضریب امنیت ملی این کشور در بعد نظامی و سیاسی خواهد بود. بنابراین علاوه بر اهداف اقتصادی، مهار هند نیز مدنظر چین می‌باشد، این مطلب را می‌توان از سرمایه‌گذاری چین در جنوب هند (سرلانکا) و همچنین غرب هند (پاکستان) به وضوح شاهد بود. مانور چین از رقابت با هند، بر سر مسائل ژئواستراتژیک و نظامی است زیرا هند توان رقابت اقتصادی با چین را نخواهد داشت (آهنگری و ایرانی، ۱۳۹۶: ۲).

۶-۲- هند

هند نیز دارنده چهارمین اقتصاد بزرگ جهان است که به رغم رکود اقتصادی جهانی با میانگین رشد اقتصادی بالاتر از هشت درصد طی چند سال گذشته به قدرتی اقتصادی در مقیاس جهانی تبدیل شده است. این میزان رشد نزدیک به رشد اقتصادی کشور همسایه و هم‌اورد آن یعنی چین است. در این میان، موضوع رقابت ابر قدرت‌ها در منطقه اقیانوس هند برای دهلی نو نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این کشور پس از به دست آوردن استقلال خود به ویژه در زمان رهبری جواهر لعل نهرو، تلاش‌های گسترده‌ای را برای

دستیابی به یک نقش فعال در منطقه اقیانوس هند به عمل آورده است (براون، ۱۹۸۱: ۲۵).

طبق آمار آژانس بین المللی انرژی در سال ۲۰۰۹، جایگاه کشور هند در نظام جهانی در حال تغییر است، به گونه‌ای که هند تا سال ۲۰۳۰ میلادی، پرجمعیت ترین کشور جهان خواهد بود (۲۰۱۰: ۱۸۲ Kaplan)، این امر هند را الزاما در حال تبدیل کردن به چهارمین مصرف کننده بزرگ انرژی در جهان کرده است به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۴ این کشور با اختصاص ۸/۴ درصد از مصرف انرژی جهانی بعد از آمریکا، چین و ژاپن در رتبه چهارم و در سال ۲۰۱۵ با افزایش ۲/۱ درصدی، ۶ درصد مصرف انرژی جهانی را به خود اختصاص داده است و بعد از آمریکا و چین در رتبه سوم مصرف انرژی جهان قرار گرفته است (1: Global Energy Statistical Yearbook, 2016).

در این میان طبق آمار رسمی آژانس بین المللی انرژی در سال ۲۰۱۷، ۵/۳۴ درصد منابع انرژی هند وابسته به نفت بوده است (Statistical Review of World Energy, 2017: 24)، نفتی که ۸۰ درصد آن از طریق واردات تأمین می شود که بنا به گفته دهلی نو ۵۹ درصد از این واردات در سال ۲۰۱۶ - ۲۰۱۵ از طریق خاورمیانه صورت پذیرفته است (Brewster, 2010: 14).

تأمین نیازهای اساسی جمعیت هند، امری ضروری برای دولتمردان خواهد بود که این امر نشان دهنده افزایش میزان تقاضای این کشور جهت منابع انرژی به خصوص نفت و گاز در وهله نخست و بازار فروش محصولات خود به ویژه در آسیای مرکزی و افغانستان در وهله دوم خواهد بود. هند در تلاش است تا نفوذ و حضور خود را از غرب تا شرق (از فلات ایران در غرب تا خلیج تایلند در شرق) گسترش دهد که در سال های اخیر روابط اقتصادی فزاینده هند با کشورهای حوزه خلیج فارس با موفقیت های عمده ای رو به رو بوده است به گونه ای که طبق آمار و داده های بانک جهانی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی هند از ۶/۴ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۷/۵ درصد در سال ۲۰۱۵ و ۷/۷ درصد در سال ۲۰۱۸ رسید (2016: 149

GLOBAL (ECONOMIC PROSPECTS

۶-۳- آمریکا

امروزه در سطح استراتژیک می توان نشانه هایی از تغییر چینش بازیگران سیاسی در حوزه اقیانوس هند و مناطق مربوط به آن را به وضوح دید به گونه ای که تمرکز آمریکا در خلیج فارس در حال کم رنگ شدن بوده و در تلاش است تا میان قدرت های اقتصادی آینده جهان در حوزه پاسفیک حضور پیدا کند. به عبارتی از یک سو ژاپن، کره و چین در صدد بازآفرینی نقش خود در تحولات اقیانوس هند بوده و آمریکا حضور خود را در این منطقه پررنگ خواهد کرد، چنان که اوباما رئیس جمهور پیشین آمریکا گفت: «آرام



آرام باید مدیریت منطقه خلیج فارس را به کشورهای خود منطقه سپرد» (آهنگری و ایرانی، ۱۳۹۶: ۲۲۷). آمریکا در صدد است تا علاوه بر دسترسی به منابع جدید انرژی، مدیریت دو قدرت هند و به ویژه چین را داشته باشد، زیرا از نظر سیاسی حضور در سایر نقاط برای چین اهمیت دارد و از نگاه ایالات متحده، مهمترین چالشی که در آینده با آن مواجه خواهد شد کشور چین خواهد بود و مهمترین قدرتی که در آینده هژمونی آمریکا را به چالش خواهد کشید چین می باشد. بنابراین آمریکا در تلاش برای مدیریت اقیانوس هند است. هند رابطه دیرینه و سنتی با روسیه دارد، بنابراین مدیریت هند به نوعی بازی با روسیه نیز خواهد بود. پس می بایست نقش فضای جغرافیایی در تعامل میان بازیگران قدرت و تعاملات امنیتی حاکم بر منطقه مدنظر قرار گیرد (نصیری، ۱۳۹۲: ۱۸۰-۱۸۵).

از این رو آمریکا شکل گیری محوریت هند، ژاپن، استرالیا و آمریکا را در دستور کار خویش قرار داده است و در این راستا با حضور و نقش آفرینی هندوستان در پهنه آبی اقیانوس هند همراه خواهد بود. در چارچوب این استراتژی حضور هند در حوزه اقیانوس هند و دریای عمان و خلیج فارس نیز به عنوانی مناطقی از اقیانوس هند برای کشور هند اهمیت خواهد یافت، از سوی دیگر در استراتژی مهار ایالات متحده تنها کشوری که می تواند حضور چین در اقیانوس هند را بی اثر یا کم اثر کند هند خواهد بود. بنابراین برای آمریکا مهمترین کشور برای مهار چین، هند است، به عبارتی ظرفیت هند استراتژی مهار را برای ایالات متحده توجیه می کند. از سویی دیگر، رابطه ایران و آمریکا مانع از همکاری های گسترده هند با ایران، بخصوص در حوزه خلیج چابهار گردیده است. بطوریکه از سال ۲۰۰۵ تاکنون طی ۳ مرحله هند خواستار سرمایه گذاری در چابهار بوده اما به دلیل تنش میان ایران و آمریکا به ویژه بعد از ریاست جمهوری ترامپ، مجددا بخشی از قراردادهای خود با ایران را متوقف کرده است، بنابراین هند نیز یک بازیگر مردود بوده و نمی تواند به درستی تصمیم سازی کند (Brewster, 2012).

۶-۴- ایران

از لحاظ سیاسی، ایران یک کشور تک جداره برای آسیای مرکزی است و به عنوان پایانه ای برای کنش های اقتصادی می تواند واقع شود و اگر راه آهن و راههای جاده ای مناسبی ایجاد شود می تواند کشورهای آسیای مرکزی را ازین بست خارج کند و تعادل و امنیت اقتصادی را در منطقه موجب گردد (کریمی پور، ۱۳۹۶: ۲۱۷). از نظر ژئوپلیتیک، خلیج چابهار برای ایران دارای اهمیت است، نیمه شرقی کشور بسیار کم برخوردار واجد ظرفیت های گریز از مرکز است که با فعال شدن کریدوری که بتواند آسیای مرکزی را به عمان و دریای عمان و اقیانوس هند متصل کند بسیار کمک کننده خواهد بود (کومار و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۰).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۶۳

پژوهشی تأثیر بندر چابهار بر نظم امنیتی منطقه آقیانوس هند

بندر چابهار در چنین شرایط رقابتی از اهمیت بسیاری برای هند برخوردار است و به مثابه یک تکیه گاهی برای مقابله با نفوذ دریایی و زمینی چین است. اولین اهمیت بندر چابهار برای هند دور زدن محدودیت‌های ایجاد شده توسط چین و پاکستان و همچنین کریدور اقتصادی چین-پاکستان است که از دیدگاه هند برای محدود کردن راههای زمینی و ارتباطی این کشور به سمت شمال و شمال غرب یا همان آسیای مرکزی و افغانستان است. به عبارت دیگر، از لحاظ زمینی، چابهار به هند کمک می‌کند تا از تنگناهای ژئوپلیتیکی چین و پاکستان خارج شود و کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان و حتی فراتر از آن دست یابد. با توجه به محصور بودن کشورهای آسیای مرکزی در خشکی، چین و هند تلاش می‌کنند تا از طریق بنادر چابهار و گوآدر دسترسی این کشورها را به دریا فراهم کنند، لذا هر دو کشور سعی می‌کنند تا مسیرهای ارتباطی به بنادر را تقویت کنند تا دامنه نفوذ خود را افزایش دهند. زمانی که چین تلاش می‌کند تا مرزهای منطقه‌ای را از طریق ابتکار جاده و کمر بند و کریدور اقتصادی چین-پاکستان باز طراحی کند، هند از طریق چابهار به دنبال افزایش ظرفیت‌های خود در پیوندهای منطقه‌ای است (حاجی یوسفی و نارویی، ۱۴۰۰: ۶۷).

حمله روسیه به اوکراین، هند را دچار مشکل کرده است. هند در حال جستجوی راه‌های جایگزین، برای دور زدن مسیر مسدود شده دریای سیاه به دلیل جنگ روسیه با اوکراین است تا بتواند صادرات چهار و نیم میلیارد دلاری خود به کشورهای مستقل مشترک المنافع را در بحبوحه تحریم‌های غرب و موانع تجاری مختلف ادامه دهد. هندوستان در نظر دارد محموله‌هایی را از مبدا بنادر هندی و از طریق بندر کینگ دائوی چین و سپس از طریق شبکه ریلی میدل کریدور به مقاصد خود در کشورهای کشورهای مشترک المنافع ارسال کند. با این حال مسئولان و تجار هندی بر این باورند که بندر چابهار ایران هم می‌تواند گزینه بهتری برای صادرات محصولات هندوستان به کشورهای مشترک المنافع باشد.

بندر چابهار به عنوان پلی برای ارسال محمولات تجاری هندوستان به روسیه و کشورهای مستقل مشترک المنافع شامل جمهوری آذربایجان، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان محسوب می‌شود. صادرات هند به کشورهای مستقل مشترک المنافع طی سال‌های گذشته به طور مداوم در حال رشد بوده و تا ژانویه سال مالی جاری، ۲۴ درصد رشد سالانه داشته است.

بندر چابهار برای مدتهاست که به منظور ارسال کالا مورد توجه هند قرار داشته است و استفاده از این بندر به دهلی نو کمک می‌کند تا هزینه‌های لجستیک خود را به میزان یک پنجم در حمل و نقل محمولات کانتینری کاهش دهد. تا قبل از حمله روسیه به اوکراین، هندوستان با وجود سرمایه گذاری در چابهار و



راهبری بندر شهید بهشتی از اواخر سال ۱۳۹۷، از گزینه های دیگری برای ارسال محمولات خود به کشورهای مستقل مشترک المنافع از طریق چین و یا استفاده از بنادر اروپایی (روسیه و گرجستان) استفاده می کرد و حتی از اواخر سال ۱۴۰۰ نیز ارسال گندم اهدایی خود به افغانستان را به جای چابهار و قلمرو ایران از طریق خاک پاکستان انجام داد. بندر چابهار در استان سیستان و بلوچستان ایران قرار دارد و بنادر سواحل غربی هند (ناواشیوا، کاندلا و موندرا) از دسترسی آسانی به آن برخوردار هستند. بندر شهید بهشتی چابهار با وجود اینکه یک تأسیسات ایرانی محسوب می شود، از تحریم های آمریکا معاف است. از حمله به اوکراین، نیروی دریایی روسیه بسیاری از مسیرهای کشتیرانی شامل بخش هایی از دریای سیاه و دریای آزوف را مسدود کرد. بسیاری از کشتی هایی که وارد این مناطق می شوند، گیر می افتند و نمی توانند از آن مناطق بیرون بیایند، زیرا طبق گزارش ها، نیروهای روسی موانعی از مین را در مسیر آن ها ایجاد کرده اند. پیشتر نیز یک کشتی بنگلادشی مورد اصابت یک موشک روسی قرار گرفته و خسارت زیادی دیده و همچنین یک خدمه این کشتی در این حادثه کشته شده است. بسیاری از خدمه کشتی های گیر افتاده در دریای سیاه و دریای آزوف پس از این حادثه محل خدمت خود روی کشتی ها را رها کرده اند تا از خطرات جانی در امان بمانند.

در چنین شرایطی، تجارت هند با کشورهای مستقل مشترک المنافع (اعم از صادرات و واردات) را به شدت مختل شده و بازرگانان هندی در پی افزایش قابل توجه نرخ حمل و نقل ناشی از افزایش قیمت سوخت به دنبال کشتی ها و مسیرهای مناسب برای حمل کالا هستند. حذف بانک های روسی از سامانه سوئیفت توسط کشورهای غربی، به عنوان بخشی از تحریم های گسترده اعمال شده بر روسیه نیز مشکلاتی را برای ادامه تجارت با این کشور ایجاد کرده و دولت هند را مجبور به فکر در مورد انجام معاملات خود با روبل به جای دلار آمریکا، کرده است. شرکت های کوچک و متوسط هندی هم در حال حاضر برای برخورداری از حمایت برای تداوم صادرات و واردات خود به دنبال دریافت یارانه های حمل و نقلی از دولت هندوستان هستند (<https://www.tinn.ir>).

۴- نتیجه گیری

رقابت های اقتصادی بخش مهمی از رقابت های بین المللی و منطقه ای بین قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای محسوب می شوند. در قرن بیست و یکم، تلاش برای تامین انرژی و کسب سود بیشتر سبب شده است تا چین، هند برای کسب فرصت های اقتصادی بیشتر با یکدیگر به رقابت بپردازند. الگوهای سیاسی شکل گرفته در روابط بین الملل باعث چینش و قرار گرفتن سایر کشورها در برنامه های پیشرفت و توسعه این دو ابر قدرت منطقه ای شده است. اقیانوس هند با دارا بودن موقعیت ژئواستراتژیک فرصت های بیشماری را در اختیار هند، چین، پاکستان، ایران و حتی آمریکا گذاشته است. هر یک از کشورهایی که با اقیانوس هند راه آبی و دریایی دارند به نوعی در تلاش هستند تا در این رقابت اقتصادی تمامی تلاش خود را انجام دهند. ایجاد پروژه های بزرگ اقتصادی از سوی چین و هند بر روی اقتصاد ایران و پاکستان تاثیر مهمی خواهد داشت. هر چند سبب ایجاد گروه بندی های سیاسی بین کشورهای منطقه خواهد شد. اما رشد و توسعه بیشتری را برای آنها بوجود خواهد آورد. منافع مشترک بین پاکستان و چین، آنها را درکنار یکدیگر و در مقابله با نفوذ اقتصادی هند قرار داده است. استان سین کیانگ و بندر گوآدر هر کدام به نوعی با این شرایط درگیر هستند. موقعیت جغرافیایی آنها سبب ایجاد یکی از بزرگترین طرح های اقتصادی و اتحاد سیاسی و اقتصادی قرن شده است. هر چند نا آرامی های قومی و مذهبی ممکن است چالش هایی را پیش روی پیش رفت این طرح قرار بدهد. اما چین بسیار مصمم است تا این طرح را اجراء نماید. از سویی دیگر، هند تمامی تلاش خود را بکار خواهد بست تا بتواند از این اتحاد را تضعیف و طرح های خود را بدون شراکت چین و پاکستان و با همکاری ایران و روسیه پیش ببرد. در این میان، نقش بندر چابهار به عنوان یکی از مهمترین بنادر استراتژیک منطقه بسیار حائز اهمیت است. هر چند تحریم های آمریکا سبب کم کاری های اقتصادی هند و به تاخیر افتادن اجرای پروژه های اقتصادی هند در بندر چابهار شده است اما در بلندمدت هند می بایست به تعهدات خود در چابهار عمل نماید. اهمیت چابهار برای هند چنان جدی است که این کشور نزدیک به سه دهه است که به دنبال توسعه این بندر جنوبی ایران است. در واقع توسعه پروژه چابهار برای این کشور بسیار فراتر از افزایش مناسبات بازرگانی با ایران و صادرات به ایران اهمیت دارد. نخستین مساله هند رقابت با اتحاد استراتژیک چین و پاکستان و یافتن جایگزینی برای بندر گوآدر است.

به نظر میرسد که شکل گیری رقابت میان آمریکا و چین، این امکان را برای هند ایجاد کرده که اهداف راهبردی خود را با بهره گیری از این رقابت پیش ببرد. علاوه بر این، هند نیز چین را به عنوان یک رقیب



راهبردی قلمداد می کند و از اینرو در راهبرد موازنه سازی در برابر چین با امریکا همسویی دارد. بندر چابهار به عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران و به واسطه قرارگیری در کرانه اقیانوس هند، نقطه اتصال پروژه های اقتصادی و تجاری ایندوپاسیفیک و جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید. اهمیت حیاتی این بندر برای هند که از جمله معدود پروژه های همکاری اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید و امریکا نیز به صراحت از آن حمایت کرده است، تا جایی است که از این بندر با عنوان برگ برنده ایران در ایندوپاسیفیک یاد شده است



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۱۶۶

سال دوازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

۵- منابع فارسی و انگلیسی

- آهنگری، عرفان و ایرانی، شهرام (۱۳۹۶)، دیپلماسی دریایی و امنیت اقیانوس هند، تهران: دفتر پژوهش-های نظری و مطالعات راهبردی نداجا
- ای لیک، دیوید، ام مورگان، پاتریک. (۱۳۸۱)، نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت سازی در جهانی نوین، ترجمه: سید جلال دهقانی فیروز آبادی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یوزان، باری. (۱۳۷۸)، مردم، دولتها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- براون، دیتر (۱۹۸۱)، ویژگی‌های جدید در روابط هند با کشورهای ساحلی اقیانوس هند، ترجمه همایون الهی، تهران: انتشارات قومس
- دهقان، یدالله و مهدی کاظمی (۱۳۹۰)، بررسی روابط ایران و هند در سایه ظهور هند به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، کتاب آبی، تهران: انتشارات ابرار معاصر
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۷۴)، رشد اتحادی و اتحادیه اقتصادی و خط مشی حمل و نقل ایران و کشورهای آسیای مرکزی، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز
- سیف زاده، سید حسین. (۱۳۸۱)، «نظریه‌های روابط بین الملل: مبانی و قالب‌های فکری»، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- سعادت، حسن (۱۳۹۸)، ژئوپلیتیک خلیج چابهار و تحولات اقیانوس هند، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- کریمی‌پور، یدالله و محمد حیدری (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک کرانه‌های دریایی ایران از دیدگاه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان بنادر و دریانوردی.
- کریمی‌پور، یدالله و همکاران (۱۳۹۶)، جغرافیا، نخست در خدمت صلح (نگرشی به مناسبات ایران و همسایگان)، چاپ دوم، تهران: انتشارات انتخاب
- کومار، راجیو و همکاران (۱۳۹۸)، سیاست خارجی و راهبردی برای هند در قرن بیست و یکم، ترجمه خرم لاجوردی، تهران: انتشارات گلگشت
- نصیری، حسین (۱۳۹۲)، تعامل منطقه‌ای، ملی و جهانی: ظرفیت سازی پایدار برای توسعه و امنیت ملی با تاکید بر محور شرق و چابهار، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- احمدی، سید عباس، احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۶)، بررسی توانمندی‌های راهبردی منطقه آزاد چابهار در راستای وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی ایران (از منظر داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)، مجله راهبرد، شماره ۸۳.
- افروخته، حسین (۱۳۸۶)، روابط متقابل شهر و روستا (مطالعه موردی ایران‌شهر)، فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی، دوره ۱۶، شماره ۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، تحلیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی سواحل جنوب شرق ایران در راستای منافع ملی، مجله جغرافیا و توسعه، پاییز و زمستان.
- زرقانی، هادی، قلی زاده، معصومه (۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل نقش و جایگاه استراتژیک سواحل مکران، اولین همایش



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای بیان اسلام

۱۶۷

بررسی تأثیر بندر چابهار بر نظم امنیتی منطقه اقیانوس هند

- ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.
- سعادت و همکاران (۱۳۹۷)، تبیین نقش و کارکرد ژئوپلیتیک خلیج چابهار در تحولات اقیانوس هند (با تاکید بر رقابت های میان هند و چین)، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۳۴، شماره ۱.
 - کاویانی راد، مراد و حسن سعادت (۱۳۹۶)، قلمرو گستره جنوب خاوری ایران در مناسبات پساتحریم با تاکید بر بندر چابهار، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۳۳.
 - کریمی پور، یدالله (۱۳۸۹)، ارزیابی ژئوپلیتیک بازارهای گاز طبیعی ایران، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۶، شماره ۱۹.
 - عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳)، «نظریه های امنیت»، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
 - نصری، قدیر. (۱۳۸۱) «مکتب کینه هاگ: مبانی نظری و موازین عملی»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۳.
 - سعادت، حسن (۱۳۹۶)، تبیین نقش و کارکرد ژئوپلیتیک خلیج چابهار در تحولات اقیانوس هند با تاکید بر رقابت هند و چین، رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی، تهران.
 - Bender, Jeremy, (2015), These 8 Narrow Chokepoints are Critical to the World's Oil Trade, Business Insider, Apr. 1
 - Blackwill, Robert D and Jennifer M. Harris (2016), War by Other Means, Geoeconomics And Statecraft, the belknap press of Harvard university Press, Cambridge, Massachusetts, London, England
 - Brewster, David, (2010), "An Indian Sphere of Influence in the Indian Ocean?" Security Challenges, Vol. 6, No. 3, Spring.
 - Brewster, David, (2012), "US strategic thinking about the Indian Ocean", Lowy Institute for International Policy, 26 June
 - Buzan, Barry and Waver, Dewilde. (1991) " Regions and Powers The Structure of International Security" . New York: Cambridge University Press
 - Kaplan, D. Robert, (2010), Monsoon: The Indian Ocean and the Future of American Power, Random House Trade.
 - Mohan, Raja, (2006), "India and the Balance of Power," Foreign Affairs, 85, July – August, 17.
 - Saini, Deepak, (2010), Indian Ocean: Emerging Chinese Aspirations, Importance of A & N Islands and the Way Ahead for India, Journal of the United Service Institution of India, Vol. CXL, No. 580, April-June
 - Sharma, Ashok, (2013), "The U.S.-India Strategic Partnership: An Overview of Defense and Nuclear Courtship", Georgetown Journal of International Affairs, July 4.

- Taneja, Kabir, (2015), A Game Changer for China and India in Sri Lanka? The Diplomat, January 25

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۲۰۶

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

بستامی، سعید؛ شفیع، نوذر؛ ببری گنبد، سکینه (۱۴۰۱)، «بررسی تاثیر بندر چابهار بر نظم امنیتی منطقه اقیانوس هند» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۲، ش ۲، تابستان ۱۴۰۱، صص ۱۶۹ - ۱۴۷.

